

معرفی و نقد مقاله "پزشکی عصر صفویه با تکیه بر سفرنامه‌های غربی"

جمال رضایی اوریمی^۱، شهربانو اسدی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد تاریخ علوم پزشکی، مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران.

۲. کارشناس ارشد تاریخ علوم پزشکی، مؤسسه مطالعات تاریخ علوم پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

چکیده

دوره صفویه یکی از ادوار مهم در تاریخ پزشکی ایران محسوب می‌شود. در این دوره دانش پزشکی پیشرفت نموده و آثار زیادی در زمینه طب تالیف و بیمارستان‌های متعددی تاسیس شد. در طی سالیان اخیر پژوهش‌های متعددی در ارتباط با تاریخ پزشکی دوره صفویه انجام گرفته است. هدف از پژوهش حاضر معرفی و نقد مقاله‌ی «پزشکی عصر صفویه با تکیه بر سفرنامه‌های غربی» اثر سعید آقارضایی و شیوا رضایی است. این پژوهش یک مطالعه تحلیلی-انتقادی است که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی و ارزیابی مقاله‌ی مورد نظر از نظر ساختاری، محتوایی و روشی می‌پردازد. مقاله‌ی «پزشکی عصر صفویه با تکیه بر سفرنامه‌های غربی» دارای نگارش منسجمی می‌باشد و حاکی از تلاش نویسندگان برای تبیین وضعیت پزشکی و بهداشت در دوره صفویه است. در ساختار مقاله بعضاً ارجاع‌دهی‌های نامناسب و اشکالات نگارشی دیده می‌شود. عدم اشاره کامل به دلایل مهاجرت پزشکان به هند، عدم تعیین جایگاه واقعی بیمارستان‌ها، عدم اشاره به جایگاه دانش دندانپزشکی، دامپزشکی و جراحی، عدم اشاره به گفتمان پزشکی طب النبوی، اشاره نکردن به بیماری‌های همه‌گیر و مبهم بودن وضعیت داروسازی در دوره صفویه را می‌توان از نقدهای محتوایی برشمرد. نتایج نشان می‌دهد که مقاله مورد نظر علیرغم تلاش برای آشکار کردن جنبه‌های مختلف پزشکی در عصر صفویه، اما دارای برخی اشکالات ساختاری، محتوایی و روشی است. لذا انتظار می‌رود نویسندگان محترم با برطرف نمودن ایرادات ذکر شده، بتوانند در پژوهش‌های بعدی اثر قابل توجه‌تری پیرامون تاریخ پزشکی منتشر نمایند.

واژگان کلیدی: نقد، صفویه، تاریخ پزشکی، پزشکی، سفرنامه‌نویسان، سیاحان غربی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه:

شهربانو اسدی

آدرس: تهران، بزرگراه فتح، خیابان خلیج فارس،
شهرک سینا، ۱۲ متری سعدی، پلاک ۲۲۵، واحد
۳

کد پستی: ۱۳۷۸۶۵۴۸۶۹

تلفن: ۰۹۰۲۶۳۳۰۴۱۳

Email: sheri.gh.1388@gmail.com

مقدمه

دوره صفویه یکی از ادوار مهم در تاریخ پزشکی ایران محسوب می‌شود. در این دوره دانش پزشکی رشد و پیشرفت نموده و آثار زیادی در زمینه طب تالیف و بیمارستان‌های متعددی در شهرهای مختلف تاسیس شد. در این دوره دانشمندان در زمینه داروسازی و درمان بیماری‌ها به دستاوردهای مهمی دست یافتند. اما این رشد مانند سایر حوزه‌ها چشمگیر نبوده و دانش پزشکی پیشرفت چندانی نکرد و افتخارات چشم‌گیری بدست نیاورد.

بر این اساس، سفرنامه‌های نگاشته شده توسط اروپاییانی که در دوره صفویه به ایران سفر کرده‌اند از منابع اصلی مورد استفاده پژوهشگران تاریخ پزشکی در این دوره می‌باشد. بسیاری از آگاهی‌ها از دانش پزشکی این دوره بیشتر با استناد به این سفرنامه‌ها به دست آمده است. در دوره صفویه سیاحان غربی با اهداف مختلف به ایران آمدند. دسته اول سیاحانی بودند که در قالب هیات‌های سیاسی و به منظور برقراری ارتباط با حکومت صفوی وارد ایران می‌شدند. اینان در واقع سفیر دولت متبوع خویش بودند. از آن جمله می‌توان به فیگوئروا و اولناریوس اشاره کرد. دسته دوم سیاحانی بودند که صرفاً به منظور سیاحت و جهانگردی راهی مشرق زمین می‌شدند مانند پیترو دلاواله. دسته سوم سیاحانی همچون شاردن و تاورنیه بودند که به منظور تجارت بار سفر به سوی شرق می‌بستند و دسته چهارم سیاحانی بودند که در واقع به منظور گسترش آیین مسیحیت راهی سرزمین‌های شرق می‌شدند از آن جمله می‌توان به کروسینسکی، سانسون و رافائل دومان اشاره کرد (۱).

پیام‌های کلیدی

- ۱- اهمیت مقاله، تبیین صحیح وضعیت پزشکی دوره صفویه و توجه به پیشرفت‌های دانش پزشکی و داروسازی دوره مورد نظر است.
- ۲- بزرگ‌ترین دستاورد پژوهش، تأکید بر این موضوع است که مورخان علم هر آنچه در منابع تاریخی آمده است را صادق ندانند و تحت سیطره‌ی منابع دست اول تاریخی و از جمله سفرنامه‌ها قرار نگیرند.
- ۳- فایده‌ی عملی مقاله این است که می‌تواند الگویی برای نقد نوشتارهای تاریخی در حوزه‌ی دانش پزشکی و چگونگی مواجهه و پرداختن به منابع تاریخی باشد.

با توجه به تحولات صورت‌گرفته در مورد وضعیت پزشکی در دوره صفویه، طی سالیان اخیر پژوهش‌های متعددی در ارتباط با سیر تطور پزشکی در دوره مذکور انجام گرفته است. اشرفی در تحقیقی با عنوان «صنعت داروسازی در عصر صفوی» (۲)، ربیعی در پژوهشی با عنوان «بررسی تاریخ پزشکی و بهداشت و تاثیرات اجتماعی آن در عصر صفویه» (۳)، کشاورزی‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «بررسی علل رکود علم پزشکی در دوره صفویه» (۴) و لولویی و احمدی در تحقیقی با عنوان «وضعیت پزشکی و بیمارستان‌های ایران در عصر صفوی» (۵) به ارزیابی بهداشت و پزشکی این دوره پرداختند.

بر این اساس سعید آقارضایی و شیوا رضایی در مقاله‌ای با عنوان «پزشکی عصر صفویه با تکیه بر سفرنامه‌های غربی» که

تحت سیطره‌ی منابع دست اول تاریخی و از جمله سفرنامه‌ها قرار بگیرند. چه بسا اطلاعاتی که در سفرنامه‌ها آمده است و از منظر فرهنگ‌فرنگیان برداشتی ناصواب از تاریخ و فرهنگ و دانش ایرانیان است. بنابراین تأکید بر این موضوع که مورخان علم هر آنچه در منابع تاریخی آمده است را صادق ندانند، بزرگ‌ترین دستاورد این مقاله تواند بود. این مقاله الگویی برای نقد نوشتارهای تاریخی در حوزه‌ی دانش پزشکی و چگونگی مواجهه و پرداختن به منابع به دست می‌دهد و می‌تواند برای دانشجویان و پژوهشگران از حیث روش مفید باشد.

هدف اصلی مطالعه حاضر این است که با نگاه انتقادانه مقاله مورد نظر نقد گردد و دیدگاه سفرنامه‌نویسان عصر صفویه در ارتباط با وضعیت پزشکی تحلیل شود. این مطالعه سبب خواهد شد تا اولاً زوایای مبهم تاریخ پزشکی دوره صفویه آشکار گردد و ثانیاً نویسندگان محترم مقاله‌ی مذکور با رفع نقاط ضعف و برطرف نمودن ایرادات ذکر شده، بتوانند در پژوهش‌های بعدی اثر قابل توجه‌تری در حیطه تاریخ پزشکی منتشر نمایند.

مواد و روش‌ها

این پژوهش یک مطالعه تحلیلی-انتقادی است که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی و ارزیابی مقاله‌ی «پزشکی عصر صفویه با تکیه بر سفرنامه‌های غربی» نوشته سعید آقارضایی و شیوا رضایی از نظر ساختاری، محتوایی و روشی می‌پردازد. بر این اساس با مراجعه به متون تاریخی و با استفاده از کلیدواژه‌های مورد نظر مطالب مهم فیش‌برداری شد؛ همچنین برای جستجوی مقالات علمی-پژوهشی موجود در پایگاه‌های اطلاعات علمی (Medlib, Google-Scholar, Pubmed, Noormags)، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری گشته، سپس تمامی یافته‌ها طبقه‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

در تابستان ۱۳۹۶ در فصلنامه علمی تاریخ نو (سال هفتم، شماره نوزدهم) منتشر گردیده، وضعیت پزشکی ایران عصر صفویه از دیدگاه سیاحان غربی را مورد ارزیابی قرار دادند (۶). با وجود اینکه این اثر ارزشمند حاوی تحلیل‌های قابل توجهی است و بطور نسبی توانسته موضوع مورد پژوهش را بدرستی و قابل فهم ارائه نماید، لیکن بررسی نقادانه آن از حیث ساختاری، روشی و محتوایی موجب آشکار شدن برخی از اشکالات و نارسایی‌های آن گردیده است.

ضرورت این تحقیق را می‌توان اینگونه بیان کرد که نقد درست یک پژوهش با محوریت تاریخ پزشکی می‌تواند موجب رشد و بالندگی پژوهش‌های این حوزه در آینده گردد؛ چرا که پیشرفت علم را می‌توان مرهون تفکر انتقادی و سازنده دانست. در واقع تفکر انتقادی و سازنده که مسئولانه، آگاهانه و دلسوزانه انجام گرفته باشد، همگام با علم پیش رفته و آن را مورد بازبینی و ارزیابی دقیق قرار می‌دهد و سبب می‌گردد تا علم همواره در مسیر صحیح خویش حرکت نماید.

اهمیت مقاله، تبیین صحیح تاریخ پزشکی دوره صفویه و توجه به پیشرفت‌های دانش پزشکی و داروسازی عصر صفویه است. نقد این مقاله و مقاله‌های مشابه، این موضوع را دربردارد که شایسته نیست به گفته‌های نویسندگان ماقبل خویش بدون تحقیق تکیه کرد؛ به خصوص در این مقاله که از صحبت‌های سیاحان غربی در زمینه پزشکی دوران صفویه استفاده شده است. با نقد مقاله‌ها به خصوص در موضوع تاریخ پزشکی به نویسندگان و محققان تاریخ تأکید می‌گردد تا به طور دقیق و متعهدانه به کار پژوهش بپردازند و گفته‌های نویسندگان قبل از خود را بدون تفحص ذکر نمایند.

این مقاله نشان می‌دهد که مورخان تاریخ پزشکی نباید

بخش اول: معرفی مقاله

مقاله «پزشکی عصر صفویه با تکیه بر سفرنامه‌های غربی» نوشته سعید آقارضایی و شیوا رضایی در فصلنامه علمی «تاریخ نو» در تابستان سال ۱۳۹۶ ه.ش منتشر شده است (۶). هدف نویسندگان مقاله اینست تا با تکیه بر سفرنامه‌های اروپاییان، تصویری از اوضاع پزشکی عصر صفویه ارائه دهند. بر این اساس بعد از ذکر مقدمه‌ای کوتاه در مورد مسافرت سیاحان اروپایی به ایران و بیان اهداف آسیب‌شناسی پزشکی در دوره صفویه، به بررسی وضعیت علوم در عصر صفوی می‌پردازند و اینطور استنباط می‌کنند با وجود تاثیر مدارس فراوان در این عصر، اما گرایش‌های متعصبانه در علوم عقلی و تجربی و حاکمیت مذهب و خرافات بر فعالیت دانشمندان این عرصه، موجب انحراف و عقب ماندگی برخی علوم و بازگشت به اوهام و خرافات گردید. سپس به دسته‌بندی پزشکان اشاره می‌گردد، بطوریکه گروهی پزشکان واقعی بودند و به علم‌آموزی روی آورده بودند و دسته‌ای دیگر گروهی بودند که بطور تجربی این حرفه را آموخته و در درمان بیماری‌ها از مسائل اعتقادی و جادو استفاده می‌کردند. توجه به موانع و مشکلات پزشکی در عصر صفوی بخش بعدی این پژوهش را شامل می‌شود. طبق یافته‌های محققان مواردی همچون عدم امنیت جانی و مالی و حضور افراد غیر متخصص در حوزه پزشکی اثرات منفی در رشد و پیشرفت دانش پزشکی در دوره صفویه داشته است. نگارندگان بیان می‌کنند که به دلیل ذهنیت خرافاتی اکثریت توده مردم گرایش و همسویی با درمانگران خرافاتی بوجود می‌آمد و در نتیجه پزشکان شایسته از جامعه طرد و در حاشیه قرار می‌گرفتند، تا جایی که بسیاری از آن‌ها نتوانستند به فعالیت خود ادامه دهند

و به پزشکی در سایر سرزمین‌ها پرداختند.

اما مهمترین بخش پژوهش مربوط به دیدگاه‌های گوناگون سیاحان اروپایی همچون تاورنیه و شاردن از وضعیت پزشکی و پزشکان عصر صفوی می‌باشد. در این میان برخی سیاحان با رویکرد مثبت و منطقی تری ابراز عقیده نموده‌اند و برخی رویکرد منفی داشتند. طبق گزارشات سیاحان، در دوره‌ی صفویه پزشکان در فن جراحی کامل نبودند و از بیماری‌هایی همچون نقرس و سنگ کلیه بی‌اطلاع بودند و رواج عقاید خرافاتی تاثیر چشمگیری در امور درمانگری گذارده بود.

در بخش بعدی مقاله مراکز درمانی عصر صفوی مورد اهتمام قرار می‌گیرد. در شهرهای مختلف ایران از جمله اردبیل، تبریز، اصفهان، قزوین و مشهد بیمارستان‌ها و درمانگاه‌هایی وجود داشت که پزشکان در آنجا مشغول به فعالیت بوده و به مداوای بیماران می‌پرداختند. همچنین شرابخانه‌ها یا داروخانه‌ها نیز درمانگاه‌هایی بودند که در کنار مراکز درمانی، کار معالجه‌ی بیماران را عهده‌دار بوده و پزشکان ماهر و غیرماهر در آنجا به فعالیت علمی اشتغال داشتند.

نگارندگان محترم در انتهای مقاله اینطور نتیجه‌گیری می‌کنند که در دوره صفویه همانند دیگر عرصه‌ها، دانش پزشکی نیز رشد کرد و تألیفات زیادی در زمینه طب تدوین شد، اما این رشد مانند سایر حوزه‌ها چشمگیر نبود و تاکید می‌کنند که پزشکان این دوره علیرغم نظرات منفی برخی سیاحان و سفرنامه‌نویسان عصر صفوی، در درمان بسیاری از بیماری‌ها و در علم داروسازی بسیار پیشرو بودند. اما مواردی همچون رویکرد تضعیف علوم در مقابل علوم شرعی، رواج طالع بینی و استفاده از خرافات در امور مهمی همچون پزشکی و تضعیف جایگاه پزشکان در دربار و دخالت پزشکان در سیاست و

کردند، سعی دارند تا نظرات هربرت^۲ سیاح انگلیسی را از جبهه‌های مخالف توضیح دهند اما مشاهده می‌کنیم که «هربرت» زبان به تحسین داروگری و علم دارو درمانی ایرانیان می‌گشاید. در واقع تناسبی میان دو گفته وجود ندارد.

در زمینه آیین نگارش نیز اشکالاتی وجود دارد که شامل عدم تورفتگی پاراگراف، املاي غلط کلمات (نادرست/ درست) مانند مراکز درمانی/ مراکز درمانی (صفحه آخر)، نیم دهند/ نمی‌دهند (صفحه ۱۹۴، سطر ۲۱)، اگرچه‌ی/ اگر چه (صفحه ۱۹۲) می‌باشد (مقاله مورد نقد که در مقدمه ذکر شده است).

نقد محتوایی

به نظر می‌رسد در تحلیل محتوای مقاله نیاز است تا نکات ذیل مورد اهتمام و واکاوی قرار گیرد.

۱. فقدان پیشینه پژوهش

در این پژوهش به پیشینه پژوهش اشاره‌ای نشده است. با توجه به موضوع تحقیق، سایر پژوهش‌هایی که وضعیت پزشکی عصر صفویه را مورد بررسی قرار داده‌اند شامل «صنعت داروسازی در عصر صفوی» اثر اشرفی (۲)، «بررسی علل رکود علم پزشکی در دوره صفویه» اثر کشاورزی‌نیا (۴) و «وضعیت پزشکی و بیمارستان‌های ایران در عصر صفوی» اثر لولویی و احمدی (۵) می‌باشند.

همچنین پژوهش‌های دیگری در ارتباط با تاریخ پزشکی صفویه توسط پژوهشگران منتشر شده است. بر این اساس «طبابت، درمان و بیمارستان‌های دوره صفوی» (۸)، «پزشکی در عهد صفویه» (۹)، «نظام بهداشتی ایران در دوره صفویه» (۱۰)، «تبیین جایگاه زنان در پزشکی عصر صفویه» (۱۱)،

2. Herbert, Thomas

مهاجرت پزشکان متبحر به سرزمین‌های دیگر از جمله هند در پایان عصر صفوی از عوامل تضعیف و از رونق افتادن دانش پزشکی در ایران محسوب می‌گشت.

بخش دوم: نقد مقاله

مقاله دارای نگارش روان و منسجمی است و نویسندگان با بیانی واضح و رسا به تحلیل مطالب مربوط می‌پردازند و جمله‌بندی‌های مناسبی دارد. بر این اساس و با توجه به بررسی‌های انجام گرفته، مقاله از حیث ساختاری، محتوایی و روشی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

نقد شکلی

مطالب مقاله به صورت صحیح بخش‌بندی گشته و تناسب لازم میان بخش‌های مختلف مقاله مشاهده می‌شود. نویسندگان در نگارش مقاله قلمی روان داشته و مطالب اصلی و مهم را طوری بیان می‌نمایند که مورد ادراک و فهم خواننده قرار گیرد. با نگاهی به مقدمه مقاله در می‌یابیم که برخی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده مقاله وجود ندارد. وظیفه مقدمه اینست که خواننده را در جریان اندیشه، هدف و روش نویسنده قرار دهد. کارکردهای مقدمه شامل روشن ساختن موضوع تحقیق، طرح مسئله، فرضیات پژوهش، بیان روش تحقیق، بیان اهمیت و فایده پژوهش، بررسی سابقه پژوهش، مشخص ساختن حدود و ثغور تحقیق و بیان فلسفه سازماندهی پژوهش می‌باشد (۷).

نگارندگان محترم در صفحه ۱۹۵ (مقاله مورد نقد) به مقایسه دیدگاه سیاحان و سفرنامه نویسان از وضعیت پزشکان عصر صفوی می‌پردازند. در این قسمت بعد از اینکه نظرات مساعد «ژان تونو»^۱ پیرامون قابلیت‌های پزشکان ایرانی را بیان

1. Jean de Thévenot

«سانسون^۲» در سفرنامه خود داده تاییدکننده ادعای «شاردن» می‌باشد. وی اشاره می‌کند که در صورت مرگ شاه صفوی، جان طبیب مخصوص وی نیز به خطر می‌افتد (۱۵). در سفرنامه‌های ونیزبان آمده است که اعلام رسمیت تشیع با کشتار عده‌ای و سکوت اجباری عده‌ای دیگر و البته کوچ اجباری دانشمندان و صاحبان مکتب و حرفی همراه بود؛ زیرا برای ترویج باور صفوی از همان آغاز، کار بر خشونت و خونریزی‌هایی بنا نهاده شد (۱۶). بطوریکه پزشکان سنی همچون امیر سعدالدین عنایت الله خوزانی و رکن‌الدین مسعود کازرونی توسط شاه صفوی کشته شدند (۱۷). همچنین انگلبرت کمپفر^۳ که در سال ۱۶۸۴م به ایران آمده بود در سفرنامه خود اشاره می‌کند که در چنین وضعیتی که هر کس به فکر جانش بود راهی جز فرار و مهاجرت از ایران برایشان باقی نمانده بود (۱۸).

به نظر می‌رسد غیر از علل ذکر شده با کمی تأمل در برخی منابع، دلایل دیگری همچون برخورد مناسب پادشاهان هندی با حکیمان و فراهم آوردن امکانات شایسته زمینه‌ساز حضور طبیبان ایرانی در هند بوده است. از جمله عزیمت حکیم شاه فتح الله شیرازی به دعوت علی عادلشاه به بیجاپور را می‌توان اشاره نمود (۱۹). پادشاهان هند امکاناتی همچون کتابخانه، کتب طبی و درمانگاه را برای فعالیت‌های علمی و درمانی اطبای ایرانی فراهم کرده بودند (۲۰).

طبق گفته «تاورنیه^۴» یکی از عوامل وابسته به ویژگی جغرافیایی که سبب شد تا مهاجرین به هندوستان سفر کنند سهولت راه و فقدان ارتفاعات و کوه‌های سخت و صعب‌العبور و

«وضعیت بهداشتی ایران در عصر صفوی» (۱۲)، «تحلیل وضعیت دانش پزشکی و داروسازی در عصر صفویه» (۱۳) و «بررسی تاریخ پزشکی و بهداشت و تاثیرات اجتماعی آن در عصر صفویه» (۳) توانستند ابعاد گوناگون پزشکی را مورد توجه قرار دهند. در واقع قبل از این محققانی دیگر نیز به بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی مردم در دوره صفویه پرداخته بوده‌اند ولی خواننده نمی‌داند نقاط قوت و ضعف پژوهش‌های پیشین چیست و اینکه این پژوهش چه تفاوتی با سایر پژوهش‌های انجام شده دارد؟

۲. عدم اشاره کامل به دلایل مهاجرت پزشکان به

هند

به نظر می‌رسد یکی از پرسش‌های اساسی در مورد تاریخ پزشکی صفویه مربوط به دلایل مهاجرت پزشکان ایرانی به کشور هندوستان و ادامه فعالیت در آنجا باشد. در صفحه ۱۹۹ (مقاله مورد نقد) نویسندگان از قول «شاردن^۱» بیان می‌کنند که از علل مهاجرت اطبای ایرانی به هند عدم تحمل شرایط ناآرام جامعه از سوی پزشکان و همچنین رفتاری بود که دربار صفوی با نگرش دینی خویش و به هنگام بیمار گشتن مرگ پادشاهی در حق پزشکان انجام می‌داد (۶). در واقع سوال این است آیا زمینه اصلی خروج و هجرت پزشکان ایرانی به هند به درستی توسط مولفان بیان شده یا اینکه علل دیگری داشته است؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت پزشکان ایرانی به هند نتیجه جو تکانشی در ایران از یک سو و نیروهای جاذب در هند از سوی دیگر است (۱۴). بر این اساس توضیحاتی که

4. Jean Baptiste Tavernier

1. Jean Chardin
2. Sanson
3. Engelbert Kaempfer

اعتبار بیمارستان‌ها در میان همه‌ی پادشاهان یکسان بوده و یا اینکه تفاوت داشته است؟

اطلاعات مرتبط با بیمارستان‌ها بیشتر متکی بر سفرنامه‌هایی است که توسط مستشرقین نگاشته شده‌اند. مستشرقین که هر کدام در زمان‌های متفاوت دوران صفویه وارد ایران شده‌اند یا مطالب کمی درباره بیمارستان بیان کرده‌اند، یا به معماری و ساختار آن پرداخته‌اند و یا به طور کلی صحبتی از بیمارستان‌ها نکرده‌اند. از سویی مشاهده می‌کنیم که عده‌ای از نویسندگان سفرنامه‌ها همچون جوزافا باربارو که در زمان قبل از صفویه و اوایل حکومت صفویه در ایران بوده‌اند درباره موضوع بیمارستان‌ها به درستی و صداقت نظر داده‌اند (۱۶)؛ اما عده‌ای چون شاردن، رافائل دومان^۱ و کمپفر^۲ به دلیل این که ممکن است کل سرزمین ایران را ندیده باشند یا با استفاده از مطالب مستشرقین قبل از خود یا به دلیل ورود در اواخر و یا زمان اضمحلال حکومت صفویه اقدام به نگارش اثر خود کرده باشند، اطلاعات کامل و مناسبی درباره بیمارستان‌ها ارائه نکرده‌اند (۱۸، ۲۳، ۲۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد بیمارستان‌های وابسته به اماکن مقدس در دوره صفویه در وضعیت خوبی قرار داشتند (۲۵). الگود^۳، در آثارش، با تحلیلی از اوضاع بیمارستان‌ها در شهرهای ایران، بیان کرده که مراکز درمانی وابسته به اماکن مقدس، در مقایسه با دیگر بیمارستان‌ها، مجهزتر و فعالتر بوده‌اند (۱، ۲۶). شهیدی در تحقیقی مستند اشاره نموده که دارالشفاء رضوی یکی از مراکز فعال درمانی در دوره صفویه بوده است (۲۷). شاه طهماسب اول، در دارالشفای رضوی پزشکان برجسته و شایسته

نزدیکی هند به ایران بود (۲۱). همچنین عدم تعصب مذهبی پادشاهان گورکانی (۲۱)، شرایط مناسب آب‌وهوایی سرزمین هندوستان (۲۲) و کسب مقام و منصب و انگیزه‌های مادی عوامل دیگر در این مهاجرت‌ها می‌باشند. پزشکان و دانشمندان ایرانی در دربار پادشاهان هند از چنان مقام و منزلتی برخوردار بودند که حتی زمامداری و حکومت می‌یافتند. به عنوان مثال میرمحمد مؤمن (متوفی ۱۰۳۴ق) پیشوای (شهردار) گلکنده بود (۱) و حکیم شاه فتح الله شیرازی در دربار جلال‌الدین اکبر شاه منزلتی عظیم یافته بود (۱۹). تمامی عوامل یاد شده سبب گردید تا پزشکان بسیاری به سرزمین هند مهاجرت کنند (۱۴).

۳. عدم تعیین جایگاه واقعی بیمارستان‌های عصر

صفوی

نویسندگان محترم مقاله بیان می‌کنند که بیمارستان‌های عصر صفوی از جایگاه مهم و شاخصی در جامعه برخوردار نبوده است (صفحه ۱۹۶). در واقع علت را چنین می‌دانند که چون برخی از سیاحان غربی ذکری از مراکز درمانی در آثار خود نیاورده‌اند پس بیمارستان‌ها نمی‌توانستند جایگاه مهمی در نظام پزشکی عصر صفوی داشته باشند. آیا پذیرش چنین سخنی می‌تواند قابل قبول باشد؟ در واقع با توجه به مسافرت بسیاری از سیاحان اروپایی به ایران در ادوار مختلف صفوی و بیان شرایط موجود، آیا مورد تایید در سایر سفرنامه‌ها و منابع هم هست یا خیر؟ آیا این سیاحان از تمام مراکز درمانی در سرزمین وسیع ایران بازدید نموده بودند؟ و اینکه در طول حیات طولانی حکومت صفویه (بیش از دویست سال)، آیا میزان اهمیت و

3. Cyril Loyd Elgood

1. Raphaël du Mans
2. Engelbert Kaempfer

را به کار می‌گمard. در این بیمارستان سید معزالدین اصفهانی، حکیم عمادالدین محمود و میرزا ابوطالب اصفهانی به امر طبابت مشغول بودند. دارالشفاى رضوی دارای تشکیلات منظم و حساب شده‌ای بوده که خدمات درمانی و رفاهی به بیماران ارائه می‌داده است (۲۸).

با جستاری در سایر سفرنامه‌ها مشاهده می‌کنیم که برخی از سیاحان به مراکز درمانی مجهز و فعال اشاره کرده بودند که در مقاله اشاره نشده است. یکی از بازرگانان ونیزی که در اوایل سلطنت شاه اسماعیل صفوی به ایران مسافرت کرده بود می‌گوید: «حسن بیگ، بیمارستان زیبا و مجهز و مسجدی با شکوه متصل به کاخ پر عظمت خویش در تبریز ساخته بود که در زمان رونق فراوانی داشت (۲۹). رافائل دومان در سفرنامه‌اش معتقد است که در هر شهر ایران یک یا دو بیمارستان بزرگ و مجهز وجود دارد (۱، ۳۰). طبق شواهد نخستین بار شاه عباس اول بیمارستانی در اصفهان ساخت که بیمارستان مهمی بود (۲۹).

۴. عدم اشاره به جایگاه دانش دندانپزشکی در

دوره صفویه

به نظر می‌رسد در پژوهش مورد بررسی علیرغم نگاه کلی به دانش‌های مختلف پزشکی اما اهمیت و جایگاه دانش دندانپزشکی مورد غفلت قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان‌دهنده عدم اطلاعات اروپاییان از اهمیت علم دندانپزشکی در ایران است. شاردن در سفرنامه‌اش بیان می‌کند که عمل کشیدن دندان را دلاکان با مهارت انجام می‌دهند. وی می‌گوید: «با این که دلاکان عمل فصد را به چابکی و مهارت تمام انجام می‌دهند، و کشیدن دندان هرگز دیده و شنیده نشده که خطری برای

کسی پیش آمده باشد (۲۳)».

مطالعه متون طبّی تالیف شده در عهد صفویه نشان می‌دهد که دانش دندانپزشکی نزد پزشکان شناخته شده بود. حکیم مؤمن در کتاب «تحفة المؤمنین» درباره بیماری‌ها و بهداشت دهان و دندان مطالب مهمی را بیان نموده و در برخی موارد از ابداعات خویش و پدرشان در علم دندانپزشکی سخن می‌گوید (۳۱). ایشان ذیل واژه «سنون» در باب نهم تحفه المومنین می‌گوید: «از مجربات والد حقیر و جهت رفع درد دندان به غایت آموخته است: هرچوبه، زردچوبه، تخم ریحان، سریش، پوست بیخ درخت زرشک، کتیرا، بادام مقشّر و صمغ عربی، از هر یک دانگی (۳۱)». حکیم شفایی در کتاب قرابادین شفایی به داروهای گیاهی، حیوانی و معدنی زیادی اشاره می‌کند. وی در این اثر شرح مبسوطی در مورد داروهای تسکین‌دهنده دندان درد، داروهای برطرف‌کننده بوی بد دهان، داروهای رفع عفونت دندان و داروهای کنترل‌کننده خونریزی دندان نگاشته است (۳۲).

از سوی دیگر حکیم غیاث‌الدین شیرازی از تعداد زیادی بیماری‌های دندان و لثه نام می‌برد و می‌گوید که دندان‌بارگی را باید از راه تراشیدن قسمت‌های خراب‌شده با یک وسیله آهنی تیز و پر کردن آن با ماده مخصوص درمان کرد (۱). بهاء‌الدوله رازی در اثرش در مورد بهداشت و بیماری‌های دهان و دندان همچون ورم لثه و رفع زردی و سیاهی دندان‌ها تدابیر و توصیه‌های مهمی نموده است (۳۳).

۵. تبیین دانش جراحی در دوره صفویه

در قسمتی از مقاله مورد نقد (صفحه ۱۹۳) نویسندگان به گفته تاورنیه و شاردن استناد کرده و از عدم وجود دانش جراحی

به اهمیت این علم در عصر صفویه، اما مورد غفلت پژوهشگران قرار گرفته است. در این دوره حرفه امیرآخورباشی (رییس امیرآخوران) اهمیت خاصی داشته که عهده‌دار نظارت بر تشکیلات دامپزشکی و دامپروری بوده است (۳۵). بنا بر نوشته شاردن، امیرآخورباشی سومین شخصیت مهم دستگاه پادشاه صفوی بود که مرتبه او پس از صدرالاعظم و دیوان بیگی قرار داشت (۲۳). دو سازمان میرآخوری ایلخی‌های پرورش اسب و همچنین سایر حیوانات کشور را اداره می‌کردند. هزاران نفر در رده‌های شغلی متفاوتی از جمله میر آخور دوم، بیطار، ناظر امور مالی و فنی و غیره تحت نظر امیرآخوران فعالیت داشتند (۳۵). بنابر گفته کمپفر عواید امیرآخورباشی از چراگاهها تامین می‌شد و در استان‌های مختلف کشور امیرآخوران فعالیت می‌کردند (۱۸). اهمیت دامپزشکی نزد ایرانیان آنچنان بود که برای پرندگان و سایر حیوانات پیر، گرسنه و یا زخمی مراکز درمانی وجود داشت (۳۰، ۳۶).

پادشاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول و دوم به دامپزشکی و درمان اسب توجه خاصی داشتند، چنانکه به دستور شاه عباس دوم چند کتاب دامپزشکی نوشته شد (۳۵). شاه عباس اول از بیماری‌های اسبان و طرز معالجه آن‌ها آگاهی داشت (۳۷). اولتاریوس می‌گوید که ایرانی‌ها چند جلد کتاب دامپزشکی درباره بیماری‌های اسبان نوشته‌اند (۳۸). در دوره صفویه آثار دامپزشکی همچون "مضمار دانش" اثر نظام‌الدین احمد و "فرسنامه نظام‌بن حسین ساوجی" در اقسام اسبان و درمان آن‌ها به نام شاه‌عباس اول (در سال ۱۰۳۳ق) نوشته شده است. رساله بیطاری شیخ مصلح‌الدین لاری، رساله خواص‌الحیوان حزین لاهیجی و چند فرسنامه منظوم چون فرسنامه منظوم صفی نیز وجود دارند که همگی نشان دهنده اهمیت دامپزشکی

و کامل نبودن علم جراحی در دوره صفویه سخن می‌گویند. سوال اصلی اینجاست آیا گفته‌های شاردن و تاورنیه صحیح است؟ به نظر می‌آید چنین گفته‌ای صحیح نباشد. در سده‌های پیش از صفویه جراحان زیادی در بیمارستان‌ها فعالیت داشتند. الگود می‌گوید که جراحان ایران، «استاد» نامیده می‌شدند و برخی اعمال جراحی نوین و بدیعی توسط آنان انجام می‌گرفت. در دوره صفویه بخش جراحی بیمارستان‌ها مانند بخش بیماری‌های داخلی و داروخانه حائز اهمیت بوده و جراحان ایرانی دست به عمل جراحی می‌زدند (۱). در سفرنامه کارری ذکر شده که «جراح‌باشی» عهده‌دار جراحی و رگزی بوده است (۳۴).

کتاب «ذخیره کامله» یا «ذخیره جراحی» اثر حکیم محمد یکی از منابع بزرگ پزشکی در مورد روش‌های جراحی در دوره صفویه است. حکیم محمد از تجربیات جراحی خویش سخن گفته و دانش او در مورد زخم‌شناسی، شرایط جراحی و نحوه درمان بازگوکننده نظریات شخص خودش می‌باشند که آن‌ها را با قاطعیت و دقیقا ابراز می‌دارد (۱). در دوره صفویه در اصفهان عمل جراحی سرطان انجام می‌شد بطوریکه صدر الدین علی اصفهانی یکی از پزشکان طراز اول اصفهان جراحی سرطان پیشرفته انجام می‌داد (۱). بهاء‌الدوله رازی بخش مهمی از کتاب خلاصه التجارب را به دانش جراحی و تکنیک‌های این رشته اختصاص داده و عین‌الملک طبیب و چشم پزشک شیرازی قرن دهم هجری که به هند مهاجرت کرده بود به جراحی اشتها داشت (۱).

۶. مغفول ماندن جایگاه دانش دامپزشکی در دوره

صفویه

در دوران صفویه دانش دامپزشکی همانند گذشته دارای تشکیلات گسترده‌ای بوده و علیرغم اشاره فراوان سیاحان غربی

دوره صفویه بوده است (۳۵).

۷. عدم اشاره به گفتمان پزشکی طب النبوی در

دوره صفویه

نویسندگان در صفحات ۱۸۸ و ۱۸۹ اذعان دارند که علوم پزشکی در عصر صفویه صرفاً در دست پزشکان آموزش‌دیده در این حوزه قرار نداشته و محدود به پزشکان تعلیم دیده نبوده است، بلکه گروه‌های مختلف جامعه صفوی با آموزه‌های تجربی دست به درمان و معالجه می‌زدند. به عبارتی ما شاهد دو دسته پزشک و درمانگر هستیم؛ افراد تحصیلکرده و درمانگران تجربی (۶). اما این درحالیست که یکی از گفتمان‌هایی که توسط پژوهشگران مقاله مورد اشاره قرار نگرفته، گفتمان پزشکی موسوم به «طب‌النبوی» است. در واقع در دوران صفویه سه گفتمان پزشکی علمی، طب النبوی و طب عامیانه وجود دارند که هر سه این گفتمان‌ها به موازات هم در جریان بوده‌اند و هر یک از آن‌ها مشروعیت خویش را به طریقی متفاوت به دست می‌آورد. مؤلفان و مفسران رساله‌های طب‌النبوی عالمان علوم دینی بودند و هدف آنان از نگارش این رساله‌ها دستیابی به مجموعه دستورالعمل‌های بهداشتی و پزشکی برای ارتقای سلامت یا درمان بیماری‌های مسلمانان بوده که از سوی پیامبر(ص) و ائمه معصومین پذیرفته یا توصیه شده بود (۳۹).

کمپفر در سفرنامه‌اش اطلاعات جالبی از معجزات امام رضا (ع) عنوان می‌کند که در طب مذهبی بسیار حائز اهمیت است. وی می‌گوید: «شهر مشهد در وهله اول به خاطر همین که مدفن حضرت رضاست به شهرت و اعتبار رسیده است.. به خصوص می‌پندارند که نابینایان می‌توانند با توسل به او روشنی دیدگان خود را باز یابند...» (۱۸). سانسون در سفرنامه خویش چنین

می‌گوید: «... شاه عباس با منتشر ساختن معجزات و کرامات بی‌شماری که در برابر قبر حضرت رضاع) اتفاق می‌افتاد آستان مقدس امام هشتم (ع) را معروف و مشهور ساخت، عده زیادی از نابینایان به روی قبر حضرت رضا (ع) چشم می‌گشودند و بینایی از دست رفته خود را باز می‌یافتند (۱۵)». شاردن در جلد ۵ صفحات ۲۵۷ تا ۲۶۴ در مورد طب مذهبی، طبابت جاودانه، نذر و نیاز یا کفاره گناهان، تعویذهای متفاوت و... صحبت کرده است (۲۳).

۸. عدم اشاره به بیماری‌های همه‌گیر و مسری

در دوره صفویه شیوع فراوان بیماری‌های همه‌گیر و مسری مانند وبا، طاعون و آبله تاثیرات زیادی بر روی سلامت مردم ایران گذاشته بود (۳۵). در اواخر حکومت آق‌قویونلوها و برآمدن حکومت صفوی و در زمان شاه اسماعیل اول، در سال ۹۰۸ ق طاعون شیوع پیدا کرده بود (۴۰، ۴۱). در دوران شاه طهماسب، شیوع بیماری‌هایی چون وبا و طاعون گزارش شده است. در دوران شاه عباس طاعون و وبا در قزوین شایع شد که بر اثر آن مردم زیادی مردند (۲۸). در سال ۱۰۴۴ ق در زمان شاه صفی طاعون بزرگی رخ داد و در قزوین موجب مرگ‌ومیر حدود بیست هزار نفر گشته بود (۴۲).

علیرغم شیوع بیماری‌های همه‌گیر در عصر صفوی، اما مورد اهتمام نویسندگان قرار نگرفته است. شاردن آبله مرغان، سیفلیس و کچلی را از بیماری‌های مسری شایع در دوره صفوی می‌داند. شاردن می‌گوید: «اما بیماری شرم‌آور مقاربتی (سیفلیس) چنان سخت در ایران ریشه دوانیده است که بیش از نیمی از مردم بدان دچارند (۲۳). کمپفر شیوع بیماری طاعون

صفویه اما نویسندگان چندان اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کنند. شاردن ضمن اشاره به انواع داروها در ایران می‌گوید که پزشکان ایرانی عطار و داروفروش نیز هستند... و شاگرد یا شریک داروفروش نیز در جوارشان هست (۲۳). هربرت^۳ نوشته که میدان اصفهان از نظر داشتن گیاهان طبی، داروها و دواهای همه فن حریف در سراسر دنیا بی‌نظیر است (۳۰، ۳۶). «کمیفیر از عطارخانه و پرهیزخانه شاهی یاد می‌کند که به نوعی داروخانه بودند و زیر نظر یک نفر حکیم قرار داشتند (۱۸).

۱۰. تفاوت باورهای عامیانه و خرافات

نویسندگان در بخشی از مقاله (صفحه ۱۹۱، پاراگراف دوم) به کارکرد خرافات و خرافه‌پرستی در جامعه عصر صفوی اشاره کرده و آن را زمینه‌ساز خروج و مهاجرت پزشکان متبحر از کشور دانستند. به نظر می‌رسد استفاده از این واژه‌ی ارزش‌مدارانه به خودی خود به معنای به حاشیه راندن فرهنگ عامه است. بهتر بود نویسندگان از «باورهای عامیانه» استفاده می‌کردند. بسیاری از باورهای عامیانه طبیعتاً با فاصله‌گیری از آن دوران به مذاق مدرن امروزمین ما خوش نمی‌آید، اما از مجربات و مبتنی بر دانش بومی بودند و مؤثر. حساب باورهای جادویی هم جداست. گرچه جادودرمانی هم نوعی روش درمانی به‌شمار می‌رفت.

۱۱. عدم توجه به موانع عدم شناخت دقیق

وضعیت پزشکی دوره صفویه از دیدگاه سیاحان

غربی

به نظر می‌رسد موانع مختلفی موجب عدم شناخت دقیق وضعیت پزشکی دوره صفویه با توجه به آثار سفرنامه‌نویسان و

را گزارش کرده است (۱۸). سیوری^۱ می‌نویسد شایعترین بیماری‌ها در دوره صفویه تب و طاعون و وبا بود که جان عده زیادی را می‌گرفت (۴۳). اولتاریوس^۲ نیز به وجود طاعون در ایران اشاره کرده (۳۸) و تاورنیه نیز در سفرنامه خود در مورد بیماری‌های آبله و امراض مقاربتی سخن می‌گوید (۲۱).

۹. وضعیت دارو و داروسازی در دوره صفویه

دوره صفویه یکی از دوران طلایی داروسازی علمی در ایران محسوب می‌شود (۱، ۳۰). در این دوره داروسازان بزرگی همچون عمادالدین شیرازی، حکیم مؤمن و حکیم شفایی می‌زیستند و توانستند آثار مهمی در زمینه داروسازی و داروشناسی از جمله تحفه المومنین و قرابادین شفایی تألیف نمایند (۳۰). در تمام بیمارستان‌ها محلی به نام داروخانه یا بیت‌الادویه وجود داشت که در آن افراد مختلفی از قبیل عطاران، خازنان، شربتیان و مرگیبیان مشغول فعالیت بودند (۳۵).

شاه سلطان حسین صفوی داروخانه بزرگی داشت و داروهای کمیاب و نادر در آن یافت می‌شد (۴۴) «عطارباشی همکار و وردست عمده حکیم باشی بود. مستخدمان بیوتات از توجهات خاص و داروهای رایگان برخوردار بودند و در زمان شاه طهماسب یک داروخانه خیریه به راه افتاد (۴۵). دارالشفای آستان قدس دارای داروخانه بود و تحت نظر شربتخانه، از بخش‌ها و بیوتات داخلی آستان قدس، اداره می‌شد. در شربتخانه داروهای گیاهی چون انواع تریاقات، جوارشات، معاجین و سفوفات تهیه و نگهداری می‌شده است (۳۰).

بر این اساس علیرغم پویایی دانش داروسازی ایران در دوره

3. Thomas Herbert
2. Engelbert Kaempfer

1. Roger Savory
2. Adam Olearius

سفرنامه، موضوع مورد پژوهش توصیف و سپس مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته است. با توجه به اینکه هدف اصلی تحقیق بررسی پزشکی عصر صفویه با تکیه بر سفرنامه‌های غربی است اما مشاهده می‌کنیم که از سفرنامه‌های دوران قاجار هم استفاده شده است. به عبارتی نویسندگان در مقدمه باید به این موضوع اشاره می‌نمودند که منظور از مستشرقین تمامی افرادی هستند که در دوره صفویه به ایران آمدند. به عنوان مثال در این پژوهش از پولاک^۱ نام برده شده که پزشکی است که در دوران قاجار به ایران آمده است و در سفرنامه خود از آثار سیاحان دوران صفویه بهره جسته است.

یکی از سوالات اساسی این است که در پژوهش مورد اشاره محدوده زمانی کجاست و آیا پژوهش بر آن مبتنی است؟ مشاهده می‌کنیم که مقاله هم از نظر دوره زمانی مورد تحلیل و هم از نظر موضوع مورد نظر بسیار گسترده است. با توجه به دوره طولانی حکومت صفویه و نیز گستردگی موضوعات پزشکی بهتر می‌بود نویسندگان به یکی از دوره‌های حکومت صفویه و یا اینکه به یک بخش از دانش پزشکی می‌پرداختند. همچنین با توجه به اینکه سفرنامه‌های متعددی در دسترس است، گستردگی موضوع و طولانی بودن دوره صفویه تصویر روشن و دقیقی از اوضاع پزشکی موجود در ذهن خواننده ایجاد نمی‌کند. همچنین یکی از نکاتی که در این تحقیق مورد غفلت قرار گرفته اینست که برای اینکه بتوان چشم انداز روشن و جامعی از وضعیت پزشکی دوره صفویه داشته باشیم لازم بود سفرنامه‌ها بر اساس دوره زمانی و مناطق جغرافیایی که سیاحان بازدید نموده بودند مورد واکاوی قرار می‌گرفت.

سیاحان غربی وجود داشته باشد. نگاه شرق‌شناسانه‌ی اغلب سیاحان نوعی نگاه از بالا به پائین را ایجاب می‌کرد. از همین رو ابتنای یک مقاله‌ی «علمی» بر اطلاعات سفرنامه‌نویسانه امر شایسته‌ای نیست. یکی دیگر از موارد مانع زبان را می‌توان اشاره نمود. به این معنا که عدم تسلط سیاحان بر زبان فارسی و ترکی مانع شناخت یا ایجاد سوءتفاهم شده است. مانع فرهنگی نیز تاثیرگذار است. به این معنی که تفاوت فرهنگی شرقیان و غربیان مجدداً بر این شکاف معرفی می‌افزاید. همچنین انگیزه و مقصود، میزان دسترسی به توده‌ی مردم و عدم ارتباط با حریم خصوصی زنان از سوی سیاحان مرد از دیگر مواردی است که به‌طور گذرا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱۲. عدم پرداختن به سایر مباحث پژوهش

نویسندگان در مقاله به «اسفناک بودن وضعیت پزشکان» اشاره می‌کنند در حالیکه نظراتشان مطلقاً بر پزشکان سلطنتی و در ارتباط با پادشاهان است و هیچ آگاهی‌ای درباره‌ی پزشکان به‌صورت عام در اختیار نمی‌گذارد. اصولاً این اشکال به سروکار داشتن عموم سیاحان به طبقات بالای جامعه بازمی‌گردد. همچنین انتقاد از طالع‌بینی و تنجیم در امر پزشکی نشان از ناآگاهی نویسندگان از نظریه‌ی کل‌گرایانه‌ی پزشکی قدیم است که در آن عالم صغیر و عالم کبیر در پیوست با یکدیگر معنا می‌یافتند.

نقد روشی

در این پژوهش اساساً روش تحقیق مشخص نشده و فاقد روش کار است. در واقع این مقاله یک پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به کتاب‌های

1. Jakob Edward Polak

دهند. با جستجو در منابع تاریخی مشاهده می‌کنیم که تاکنون سفرنامه‌های زیر تالیف شده است. این سفرنامه‌ها عبارتند از: «سفرنامه آمبروسیو کنتارینی، سفرنامه جوزافا باربارو، سفرنامه کاترین زنو، سفرنامه جووان ماریا آنجوللو^۵، سفرنامه بازرگانان ونیزی در ایران، سفرنامه وینچنتو دالساندری^۶، سفرنامه برادران شرلی^۷ (آنتونی شرلی و رابرت شرلی)، سفرنامه ژرژ تکتاندرفن دریابل^۸، سفرنامه گارسیا د سیلوا فیگوئروا^۹، سفرنامه پیترب دلاواله^{۱۰}، سفرنامه کاتوف^{۱۱}، سفرنامه استودارت^{۱۲}، سفرنامه یان اسمیت^{۱۳}، سفرنامه تاورنیه^{۱۴}، سفرنامه آدام اولئاریوس^{۱۵}، سفرنامه شاردن^{۱۶}، زیبایی‌های ایران^{۱۷} ندره دولیه دلند (معروف به سفرنامه دولیه دلند) سفرنامه سانسون^{۱۸}، سفرنامه کمپفر^{۱۹}، سفرنامه کارری^{۲۰}، گزارش سفیر کشور پرتغال^{۲۱}، سفرنامه کروسینسکی^{۲۲} و سفرنامه احمد دری. «همچنین از سفرنامه‌های رایبی بنیامین تطیلی^{۲۳}، آنتونیو تنریو^{۲۴} و میکله ممبره^{۲۵} که مربوط به اوایل دوره صفویه است نیز می‌توانستند استفاده کنند (۴۶).

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان اینطور اظهار نظر کرد که مقاله‌ی «پزشکی عصر صفویه با تکیه بر سفرنامه‌های غربی»

یکی از نکات مهم در استفاده از منابع در این تحقیق عدم کاربرد منابع دست اول و متناسب با اهداف پژوهش می‌باشد، بطوریکه در برخی موارد به منابع دست دوم استناد شده است. به طور مثال در صفحه ۱۹۳ گفته شده است: «در این باره الگود به نقل از فرایر در باب وضع طبابت در ایران در اثر خود می‌نویسد...» در واقع بهتر بود به کتاب سفرنامه جان فرایر^۱ مراجعه و برای استناد، منبع دست اول ذکر می‌شد. همچنین نگارندگان در قسمت منابع به ترجمه کتبی همچون سفرنامه ونیزیان^۲ در ایران، سفرنامه‌ی پولاک^۳، سفرنامه‌ی تاورنیه^۴ و .. استناد نمودند. در واقع بایسته است در تحقیقات تاریخی تا آنجا که ممکن است سعی گردد به اصل منبع به زبان اصلی ارجاع داده شود (۷).

نکته مهم در این پژوهش اینست که آیا محقق از همه‌ی منابع معتبر اعم از منابع دست اول و تحقیقات جدید بهره برده است و ارجاعات وی به این آثار صحیح‌اند؟ در نگارش مقاله حاضر، سفرنامه سیاحان غربی همچون باربارا، تاورنیه، پولاک، سیوری، شاردن، شرلی و کمپفر مورد استفاده نویسندگان قرار گرفته است، درحالی‌که نگارندگان می‌توانستند سایر سفرنامه‌های سیاحان غربی را هم مورد اهتمام خویش قرار

14. Tavrenier's travelogue
15. Olearius's travelogue
16. Chardin's travelogue
17. The beauties of Iran
18. Sanson's travelogue
19. Kaempfer's travelogue
20. Careri's travelogue
21. The report of the ambassador of Portugal on the court of Sultan Husseyn Safavi
22. Krusinski's travelogue
23. Tatili's travelogue
24. Tenreiro's travelogue
25. Membre's travelogue

1. A new account of East India and Persia: being nine years travels 1672-1681[Book] John Fryer
2. Travelogue of Venetians in Iran
3. Polak's travelogue Travelogue of Venetians in Iran
4. Tavernier's travelogue
5. Angiolello's travelogue
6. Alessandri' travelogue
7. Sherley Brothers travelogue
8. Georges Tectander von der Jabel' travelogue
9. Figeroa's travelogue
10. Della Valle's travelogue
11. Katof's travelogue
12. Stodart's travelogue
13. Smidt's travelogue

تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی برای نویسندگان وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر بهزاد کریمی استادیار گروه ایرانشناسی دانشگاه میبد و همه‌ی کسانی که در نگارش مقاله همکاری صمیمانه نموده‌اند تشکر و قدردانی نمایند.

علیرغم اینکه توانسته با بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی دوره صفویه دریچه‌ای تازه به روی پژوهشگران تاریخ پزشکی بگشاید، لیکن بنا بر دلایل ذکر شده در متن مقاله همچون عدم اشاره کامل به دلایل مهاجرت پزشکان به هند، عدم تعیین جایگاه واقعی بیمارستان‌ها و دارالشفاه، عدم اشاره به جایگاه دانش دندانپزشکی، تبیین نکردن دانش جراحی، مغفول ماندن جایگاه دامپزشکان، عدم اشاره به گفتمان پزشکی طب النبوی، عدم اشاره به بیماری‌های همه‌گیر و مسری و مبهم بودن وضعیت دارو و داروسازی در دوره صفویه، توانسته تا حدودی به اهداف مورد نظر دست یابد. لذا انتظار می‌رود با توجه به اهمیت موضوع نقد در پژوهش‌های علمی و با توجه به تحلیل انجام شده در ارتباط با مقاله مذکور، نویسندگان محترم با رفع نقاط ضعف و برطرف نمودن ایرادات ذکر شده، بتوانند در پژوهش‌های بعدی اثری وزین و قابل توجه پیرامون تاریخ پزشکی منتشر نمایند.

منابع

1. Elgood CL. Medicine in the Safavid period. Tehran: University of Tehran Press; 2007. P. 4,35,50,52,84,97,171.
2. Ashrafi A. The Art of Pharmaceutics in the Safavid Period. Knowledge & Health. 2013;8(3):138-43. [In Persian]
3. Rabiei F. Search of the hygiene and medicine history and social influences in the safavid period. Arak: Arak university; 2017.
4. Keshavarzinia A. Barresi elale rocude elme pezeshki dar dore Safavie. International Conference on New Approaches in the Humanities; Tehran: Modiran idepardaz karin; 2016. p. 1-16. [In Persian]
5. Loloie K, Ahmadi S. Vazeeate pezeshki va bimarestanhaye Iran dar asre Safavie. Quarterly Journal of History. 2012 6(17):3-20. [In Persian]
6. Agharezaei S, Rezaei SH. Medical of Safavid depends on Western itinerary. Tarikh-e-No. 2017;7(19):185-201. [In Persian]
7. Mollaei Tavani A. Daramadi Bar Ravesh Pajoohesh Dar Tarikh. Tehran: Nashre Ney; 2008. P: 76. [In Persian]
8. Khatmi J. Medicine, treatment and hospitals of the Safavid period. Orumieh: Orumieh Univercity; 2014. P 1-89. [In Persian]
9. Kordi Z. Pezeshki dar ahde Safavie. Tehran: Payam Noor Univercity; 2010. [In Persian]
10. Karami shayesteh S. Iranian health system in the Safavid period. Kermanshah: Kermanshah Univercity; 2017. [In Persian]
11. Karimi B. Women's Position in Safavid Medical Discourse. Tehran: Tarbiat Modarres University; 2012. [In Persian]
12. Taherifard A. Vazeiat behdashti Iran dar asre Safavie. Tehran: Payam Noor Univercity; 2017. [In Persian]
13. Eslamifard Z. Tahlil vazeeat pezeshki va darosazi asre Safavie. Tehran: Maaref Islami Univercity; 2018. [In Persian]
14. Janahmadi F, Behniyafar A. Civilisational Contributions of Iranian Physicians in Gurkani Royal Court. Journal of Subcontinent Researches. 2013;5(15): 79-106.
15. Sanson P. Voyage ou relation de letat present du royaume de perse. Tehran: Ibn Sina Publications; 1967. p.52.
16. Barbaro G, Contarini A. Travels to tana and persia: A narrative of Italian travels in persia in the 15th and 16th centuries. tehran: kharazmi publication; 2002.
17. Romelo H. Ahsan al-Tavarikh. Tehran: Asatiri; 2010. [In Persian]
18. Kaempfer E. Am hofe des persischen grosskonigs [Kaempfer Travelogue]. Tehran: Amin Electronic Library; 2017. P. 103,72.
19. Golchine Maani A. The caravan of India. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing Institute; 1990: P. 26. [In Persian]
20. Kavyani pooya H, Shojaeenia F. An Investigation of the Reasons for the Migration of Iranian Safavid Physicians to India and Its Consequences. Journal of Iranian Studies. 2020 18(36):187-212. [In Persian]
21. Tavernier JB. Tavernier Travelogue. Tehran: Niloofar; 2004. P. 87,275.
22. Rhazi AA. Tazkere -ye haft eqlim (Chronicles of the seven climates)-Volume 1. Tehran: Soroush; 1999. P. 410. [In Persian]
23. Chardin J. Travels in Persia, 1673-1677. Tehran: Amir Kabir; 1956. P. 30,27,214.
24. Richard F. Raphael du Mans, missionnaire en Perse au XVIIè siècle [safarname raphael]. Paris: L'HARMATTAN; 1995
25. Speziale F. Hospitals in Iran and India, 1500-1950s. English: Brill; 2012.
26. Floor W. Iranian hospitals during the Safavid and Qajar eras. Bushehr: Bushehr univercity of medical sciences; 2014.
27. Shahidi SH. Negahi be teb sonnati dar dar-ol-shafaye astane ghods razavi dar asre Safavie. Ganjine-ye-Asnad. 2009;19(3):63-84. [In Persian]
28. Torkamaan EB. Taarikhe Alam Araye Abaasi. Tehran: BiJa; 2003. [In Persian]

29. Tadjbakhsh H. History of Iranian hospitals. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies; 2000. P. 162,190,191.
30. Elgood CL. Medical history of Iran and the lands of the Eastern Caliphate. Tehran: AmirKabir Publishing Institute; 1992. P. 446,55,527,68.
31. Hakim Tonekaboni M. tofat-ol-momenin. Tehran: Nashre Shahr; 2007. [In Persian]
32. Hoseyni Shafaei M. Qarabaadin Shafaei. Tehran: Safir Ardahal; 2014. P. 141. [In Persian]
33. Rhazi B. Kholaseat-al-tajareb fi al-teb. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 2003. P. 188–189. [In Persian]
34. Careri J. Voyage du tour du Monde (safarname Careri). Tehran: Franklin Publication; 1969.
35. Tadjbakhsh H. History of Veterinary and Medicine of Iran. Tehran: Faculty of Iranian Medicine and Institute of Islamic Medicine; 2000. P. 449,451,452,461. [In Persian]
36. Herbert T. A description of the Persian monarchy now being: the orientall. Tehran: Abadbom Publication; 2021.
37. Ravandi M. Social history of Iran. Tehran: Amir Kabir; 1968. P. 409. [In Persian]
38. Olearius A. The Voyages and Travells of the Ambassadors Sent by Frederick Duke of Holstein, to the Great Duke of Muscovy, and the King of Persia: Begun in the Year 1633 and Finished in 1639; Containing a Compleat (Olearius Travelogue). English: Forgotten Books; 2018. P. 310.
39. Shamse Ardekani MR. History of medicine in Iran from ancient times to the Academy of Arts. Tehran: Choogan; 2013. P. 289. [In Persian]
40. Ruzbehane Khonagi F. Tarikhe Alam Araye Amini. Tehran: Miras-e-Maktoob; 2003. P. 232–233. [In Persian]
41. Monshiye Ghomi A. Kholasat al-Tavarikh. Tehran: Institute of Publishing and Printing; 2004. P. 97 [In Persian]
42. Khajegi Esfehani M. Kholase al-Seir. Tehran: Entesharat Elmi; 1989. [In Persian]
43. Savory R. Iran under the Safavids. Tehran: Nashre Markaz; 2006
44. Rostam Alhokama MH. Rostam al-tavarikh. Tehran: Amirkabir; 1969. [In Persian]
45. Jackson P, Lockhart L. The Cambridge history of Iran: The Timurid and Safavid Periods. Tehran: Jami; 2001. P. 308.
46. Daneshpajoh M. Barresi safarnamehaye dore Safavi. Isfahan: Farhengestan Honar; 2006. [In Persian]

Introduction and Critique of the Paper "Medicine of the Safavid Era Relying on Western Travelogues"

Jamal Rezaei Orimi¹, Shahrbanoo Asadi^{1*2}

1. Master of History in Medical Sciences, Research Center for Traditional and Complementary Medicine, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran.

2. Master of History in Medical Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Received: 27 January 2022

Accepted: 26 July 2022

Published: 10 August 2022

***Corresponding Author**
Shahrbanoo Asadi

Address: 3rd Floor, No.225 Saadi street, sina Town, Khalij e Faars AVE, Fath Highway.

Postal Code : 1378654869

Tel: 09026335413

Email: sheri.gh.1388@gmail.com

Citation to this article:

Rezaei Orimi J, Asadi Sh. Introduction and critique of the paper "medicine of the Safavid era relying on western travelogues". *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2022; 15: 105-121.

Abstract

The Safavid period is considered one of the most important periods in the history of Iranian medicine. During this period, medical knowledge was developed many works in the field of medicine were written and several hospitals were established. In recent years, several studies have been conducted on the medical history of the Safavid period. The purpose of this study is to introduce and critique the paper "Medicine of the Safavid era relying on Western travelogues" by Saeed Agharezaei and Shiva Rezaei. This research is an analytical-critical study that uses library resources to review and evaluate the paper in terms of structure, content, and method. The paper has coherent writing and indicates the authors' efforts to explain the medical and health situation of the Safavid period from the perspective of Western tourists. In the structure of the paper, sometimes inappropriate references and writing errors are seen. Failure to mention the reasons for the migration of physicians to India, failure to determine the true location of hospitals, failure to mention the position of dental, veterinary and surgical knowledge, failure to mention epidemics and ambiguity of the pharmacology situation in the Safavid period can be enumerated content critiques. The results show that the paper, despite attempts to reveal various aspects of medicine in the Safavid era, has some structural, content, and method problems. Therefore, it is expected that the respected authors, by eliminating the mentioned problems, will be able to publish a more significant work on the history of medicine in future research.

Keywords: Criticism, Safavid, Medical History, Medicine, Travel Writers, Western Tourists.

